**Journal of Gerontology (joge)** **Original Article**

**Vol 11, No 3, Autumn 2026**

# A Theoretical Analysis of the Capacity of the Wise Old Man Archetype in Drama Therapy Based on Jungian Analytical Psychology

**Amirfarzam Dehnavi[1], Nayereh Sadat Mobinipour[2*], Abolfazl Davoudi Roknabadi[3]**

1- PhD Candidate in Comparative Analytical History of Islamic Art, Kish International Branch, Islamic Azad University, Kish, Iran.
2- PhD in Comparative Analytical History of Islamic Art, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran.
3- PhD in Art Research, Islamic Azad University, Yazd Branch, Yazd, Iran.

**Corresponding Author:** Nayereh Sadat Mobinipour, PhD in Comparative Analytical History of Islamic Art, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran.
**E-mail: nayeremobinipour@iau.ir**

Received: 2026/10/10 Accepted: 2026/10/27

## Abstract

**Introduction:** Drama therapy uses role-play, narrative, and symbolism to support the representation and reflection of psychological and social experiences. However, the specific place of Jungian archetypes, particularly the Wise Old Man, in conceptualizing drama therapy processes and their relevance to autism spectrum disorder (ASD) has received limited theoretical attention.

**Methods:** This fundamental theoretical-analytical study used a library-based targeted literature review and conceptual analysis. Literature on Jungian analytical psychology, archetypes, drama therapy, and ASD was searched in PubMed, Scopus, Web of Science, Google Scholar, and Scientific Information Database of the Iranian Academic Center for Education, Culture and Research (SID). After screening and applying eligibility criteria, 35 sources were selected for final analysis. Concepts related to the Wise Old Man and drama therapy processes were extracted, coded, compared, and synthesized into conceptual categories.

**Results:** The analysis yielded four conceptual axes: psychological guidance and direction, self-awareness and insight, meaning-making and symbolization, and psychological integration. These axes are theoretical constructs derived from the synthesis of selected sources and are not empirical dimensions or established therapeutic outcomes.

**Conclusion:** The proposed framework provides a conceptual link between Jungian analytical psychology, drama therapy processes, and selected psychological and social domains relevant to ASD. The findings indicate theoretical potential rather than therapeutic efficacy or causal relationships. Future qualitative and empirical studies are needed to examine the validity and applicability of this framework.

**Keywords:** Wise old man archetype; Jungian theory; Psychodrama; Autism spectrum disorder; Psychotherapy.

نشریه سالمندشناسی
مقاله پژوهشی
دوره ۱۱ شماره ۳، پاییز ۱۴۰۵

# تحلیل نظری ظرفیت کهن‌الگوی پیر دانا در نمایش‌درمانی مبتنی بر روان‌شناسی تحلیلی یونگ

امیرفرزام دهنوی[۱]، نیره سادات مبینی پور[۲*]، ابوالفضل داودی رکن آبادی[۳]

۱- دانشجوی دکتری تاریخ تطبیقی تحلیلی هنر اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین المللی کیش، ایران.
۲- دکتری تاریخ تطبیقی تحلیلی هنر اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران.
۳- دکتری پژوهش هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، یزد، ایران.

**نویسنده مسئول:** نیره سادات مبینی پور، دکتری تاریخ تطبیقی تحلیلی هنر اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران.
**ایمیل: nayeremobinipour@iau.ir**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۷/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۸/۵

## چکیده

**مقدمه:** نمایش درمانی با نقش‌آفرینی، روایت و نمادپردازی امکان بازنمایی و بازاندیشی تجربه‌های روان‌شناختی و اجتماعی را فراهم می‌کند. بااین‌حال، جایگاه اختصاصی کهن‌الگوهای یونگی، به‌ویژه پیر دانا، در صورت‌بندی فرایندهای نمایش‌درمانی و ارتباط آن با حوزه‌های مرتبط با اختلال طیف اوتیسم کمتر تبیین شده است.

**روش کار:** این مطالعه بنیادی، نظری ـ تحلیلی و کتابخانه‌ای با مرور هدفمند منابع و تحلیل مفهومی انجام شد. منابع مرتبط با روان‌شناسی تحلیلی یونگ، کهن‌الگوها، نمایش‌درمانی و اختلال طیف اوتیسم در پایگاه‌های پاب‌مد ، اسکوپوس ، وب آو ساینس ، گوگل اسکالر ، و پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (سید) بررسی شدند. پس از غربالگری و اعمال معیارهای ورود و خروج، ۳۵ منبع برای تحلیل نهایی انتخاب شد. مفاهیم مرتبط با پیر دانا و فرایندهای نمایشی استخراج، کدگذاری و در قالب مقوله‌های مفهومی تلفیق شدند.

**یافته‌ها:** تحلیل منابع به صورت‌بندی چهار محور «هدایت و جهت‌دهی روانی»، «خودآگاهی و بینش»، «معناپردازی و نمادسازی» و «یکپارچگی روانی» انجامید. این محورها سازه‌های نظری حاصل از تلفیق منابع‌اند و به‌عنوان ابعاد تجربی یا پیامدهای اثبات‌شده درمانی تلقی نمی‌شوند.

**نتیجه‌گیری:** چارچوب پیشنهادی، ارتباطی مفهومی میان روان‌شناسی تحلیلی یونگ، فرایندهای نمایش‌درمانی و برخی حوزه‌های مرتبط با اختلال طیف اوتیسم ارائه می‌کند. این یافته‌ها ظرفیت نظری را نشان می‌دهند، نه اثربخشی درمانی یا رابطه علّی. پژوهش‌های کیفی و تجربی آینده برای بررسی اعتبار و کاربرد این چارچوب ضروری‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** کهن‌الگوی پیر دانا؛ نظریه یونگی؛ سایکودرام (نمایش‌درمانی)؛ اختلال طیف اوتیسم؛ روان‌درمانی.

## مقدمه

اختلال طیف اوتیسم یک اختلال عصب‌رشدی است که با تفاوت‌های پایدار در ارتباطات اجتماعی، تعاملات بین‌فردی و الگوهای رفتاری محدود یا تکراری مشخص می‌شود (۱-۳). این ویژگی‌ها می‌توانند در دوره نوجوانی و جوانی با چالش‌هایی در شناخت هیجان، درک دیدگاه دیگران، خودآگاهی و سازگاری اجتماعی همراه باشند و بر کیفیت زندگی و مشارکت اجتماعی افراد تأثیر بگذارند (۴-۶). ازاین رو، توجه به مداخلات روان‌شناختی و هنردرمانی متناسب با ویژگی‌های شناختی، هیجانی و ارتباطی این افراد، به‌ویژه مداخلاتی که امکان تجربه و تمرین موقعیت‌های اجتماعی را فراهم می‌کنند، اهمیت دارد (۷-۹).

در میان رویکردهای مبتنی بر هنر، نمایش‌درمانی به دلیل بهره‌گیری از نقش‌آفرینی، روایت، بداهه‌پردازی، نمادها و تعاملات گروهی، ظرفیت ویژه‌ای برای بازنمایی و تجربه موقعیت‌های هیجانی و اجتماعی در محیطی امن دارد(۱۰, ۱۱). در این رویکرد، فرد می‌تواند از طریق ایفای نقش و

مشـارکت در روایت‌هـای نمایشـی، موقعیت‌هـای مختلـف را تجربـه کنـد و شـیوه‌های متفاوتـی از ارتبـاط و پاسـخ‌گویی را بیازمایـد. مرورهـای نظام‌منـد نیـز ظرفیـت مداخـلات نمایشـی و تئاترمحـور را در حمایـت از برخـی ابعـاد تعامـل اجتماعـی، مشـارکت گروهـی، بیـان هیجانـی و مهارت‌هـای ارتباطـی افـراد دارای اختـلال طیـف اوتیسـم گـزارش کرده‌انـد (۱۲-۱۴). بااین‌حـال، بخـش عمـده مطالعـات موجـود بـر پیامدهـای رفتاری و اجتماعـی متمرکـز بوده‌انـد و مبانـی نمادیـن و فرایندهـای روان‌شـناختی زیربنایـی تجربـه نمایشـی کمتـر به‌صـورت نظـری و منسـجم بررسـی شـده‌اند. ایـن مسـئله ضـرورت توجـه بـه چارچوب‌هایـی را مطـرح می‌کنـد کـه بتواننـد ابعـاد نمادیـن و معنایـی نمایش‌درمانـی را تبییـن کننـد.

یکـی از چارچوب‌هـای نظـری قابل‌اسـتفاده بـرای بررسـی ایـن ابعـاد، روان‌شناسـی تحلیلـی کارل گوسـتاو یونـگ اسـت. در ایـن رویکـرد، کهن‌الگوهـا الگوهـای بنیادیـن روانـی محسـوب می‌شـوند کـه در قالـب تصاویـر، نمادهـا، اسـطوره‌ها، روایت‌هـا و شـخصیت‌های فرهنگـی نمـود می‌یابنـد (۱۵). از دیـدگاه یونـگ، ایـن صورت‌هـای نمادیـن می‌تواننـد در فهـم تجربه‌هـای درونـی و تبییـن برخـی فرایندهـای رشـد و تحـول روانـی نقـش داشـته باشـند (۱۶). بنابرایـن، مفاهیـم کهن‌الگویـی می‌تواننـد چارچوبـی بـرای تحلیـل معنـای شـخصیت‌ها و روایت‌هایـی فراهـم کننـد کـه در فرایندهـای نمایشـی بـه کار گرفتـه می‌شـوند. در میـان ایـن مفاهیـم، کهن‌الگـوی «پیـر دانـا» بـه دلیـل ارتبـاط نمادیـن آن بـا خـرد، بینـش، راهنمایـی و مواجهـه بـا موقعیت‌هـای مبهـم یـا دشـوار، از اهمیـت ویـژه‌ای برخـوردار اسـت (۱۵, ۱۷).

در ادبیـات یونگـی، پیـر دانـا معمـولاً در قالـب شـخصیت راهنمـا، آمـوزگار، مشـاور یـا فـرد خردمنـد ظاهـر می‌شـود و به‌صـورت نمادیـن بـا جهت‌یابـی روانـی، شـناخت خویشـتن و مواجهـه بـا تعارض‌هـا ارتبـاط دارد (۱۵, ۱۷). حضـور ایـن الگـو در اسـطوره‌ها، داسـتان‌ها و آثـار ادبـی و نمایشـی، امـکان بازنمایـی مفاهیمـی ماننـد خـرد، جسـت‌وجوی معنـا و دریافـت راهنمایـی را در قالـب شـخصیت و روایـت فراهـم می‌کنـد (۱۴). از سـوی دیگـر، نمایش‌درمانـی بـا تکیـه بـر نقش‌آفرینـی، تخیـل و روایـت، بسـتری بـرای تجربـه و بازاندیشـی دربـاره موقعیت‌هـای شـخصی و بین‌فـردی ایجـاد می‌کنـد (۱۱, ۱۶, ۱۸-۲۰). بـر ایـن اسـاس، می‌تـوان از منظـر نظـری بررسـی کـرد کـه بازنمایـی پیـر دانـا در یـک موقعیـت نمایشـی چگونـه ممکـن اسـت بـا فرایندهایـی ماننـد هدایـت و جهت‌دهـی روانـی، خودآگاهـی، معناپـردازی و انسـجام روانـی ارتبـاط مفهومـی پیـدا کنـد. بااین‌حـال، چنیـن ارتباطـی در وهلـه نخسـت یـک فرضیـه تفسـیری اسـت و نبایـد آن را معـادل اثربخشـی اثبات‌شـده ایـن کهن‌الگـو دانسـت.

بـا وجـود توجـه پژوهش‌هـای پیشـین بـه نمایش‌درمانـی و ظرفیت‌هـای آن در حمایـت از مهارت‌هـای ارتباطـی و اجتماعـی افـراد دارای اختـلال طیـف اوتیسـم، نقـش مفاهیـم روان‌شناسـی تحلیلـی یونـگ، به‌ویـژه کهن‌الگـوی پیـر دانـا، در تبییـن فرایندهـای نمادیـن و تحولـی ایـن رویکـرد کمتـر به‌صـورت منسـجم بررسـی شـده اسـت. ازایـن‌رو، بررسـی نظـری ایـن کهن‌الگـو می‌توانـد بـه روشن‌ترشـدن ارتبـاط میـان مفاهیـم یونگـی، فرایندهـای نمایش‌درمانـی و برخـی فرایندهـای روان‌شـناختی مرتبـط بـا افـراد دارای اختـلال طیـف اوتیسـم کمـک کنـد.

بـر ایـن اسـاس، پژوهـش حاضـر بـا هـدف تحلیـل نظـری ظرفیـت کهن‌الگـوی پیـر دانـا در نمایش‌درمانـی مبتنـی بـر روان‌شناسـی تحلیلـی یونـگ انجـام شـده اسـت. در ایـن راسـتا، چهـار محـور مفهومـیِ هدایـت و جهت‌دهـی روانـی، خودآگاهـی و بینـش، معناپـردازی و نمادسـازی و یکپارچگـی روانـی بررسـی می‌شـوند. ایـن مطالعـه ماهیتـی نظـری ـ تحلیلـی دارد و در پـی آزمـون تجربـی اثربخشـی نمایش‌درمانـی یـا اثبـات رابطـه علّـی میـان ایـن کهن‌الگـو و پیامدهـای درمانـی نیسـت.

## روش کار

پژوهـش حاضـر از نظـر هـدف، بنیـادی و از نظـر ماهیـت، یـک مطالعـه نظـری ـ تحلیلـی مبتنـی بـر مـرور هدفمنـد منابـع و تحلیـل مفهومـی اسـت کـه بـه روش کتابخانـه‌ای انجـام شـد. هـدف پژوهـش، تحلیـل نظـری کارکـرد کهن‌الگـوی پیـر دانـا در چارچـوب نمایش‌درمانـی مبتنـی بـر روان‌شناسـی تحلیلـی یونـگ و تبییـن ظرفیت‌هـای نظـری آن در ارتبـاط بـا فرایندهـای روان‌شـناختی و اجتماعـی مرتبـط بـا اختـلال طیـف اوتیسـم بـود. در ایـن مطالعـه، کهن‌الگـوی پیـر دانـا به‌عنـوان یـک مفهـوم نظـری و نمادیـن بررسـی شـد و هـدف، آزمـون تجربی، سـنجش اثربخشـی درمانـی یـا تعییـن رابطـه علّـی میـان ایـن کهن‌الگـو و پیامدهـای درمانـی نبـود.

جامعـه پژوهـش را منابـع علمـی مرتبـط بـا روان‌شناسـی تحلیلی یونـگ، کهن‌الگوهـا، نمایش‌درمانـی و اختـلال طیـف اوتیسـم تشـکیل داد. جسـت‌وجوی منابـع در پایگاه‌هـای پاب‌مـد ، اسـکوپوس ، وب آو سـاینس ، گـوگل اسـکالر ، و پایـگاه اطلاعات علمـی جهـاد دانشـگاهی در بـازه زمانـی فروردیـن ۱۴۰۴ تـا اسـفند ۱۴۰۴ انجـام شـد. کلیدواژه‌هـای فارسـی و انگلیسـی

مرتبـط بـا موضـوع، شـامل «پیـر دانـا »، «کهن‌الگـوی پیـر دانـا »، «کهن‌الگـو »، «روان‌شناسـی تحلیلـی »، «روان‌شناسـی یونگـی »، «نمایـش درمانـی »، « نمایش‌درمانـی »، و «اختـلال طیـف اوتیسـم » بودنـد. ایـن واژه‌هـا بـا عملگرهـای بولـی«و » و «یـا » و در مـوارد لازم به‌صـورت عبـارت دقیـق، منفـرد و ترکیبـی جسـت‌وجو شـدند.

در جسـت‌وجوی اولیـه، در مجمـوع ۷۶ رکـورد شناسـایی شـد کـه شـامل ۱۴ رکـورد از پاب‌مـد ، ۱۸ رکـورد از اسـکوپوس، ۱۱ رکـورد از وب آو سـاینس، ۲۵ رکـورد از گـوگل اسـکالر و ۸ رکـورد از پایـگاه اطلاعـات علمـی جهـاد دانشـگاهی (سـید) بـود. پـس از حـذف ۱۶ رکـورد تکـراری، ۶۰ رکـورد بـرای غربالگـری عنـوان و چکیـده باقـی مانـد. در ایـن مرحلـه، ۱۹ رکـورد بـه دلیـل عـدم ارتبـاط کافـی بـا موضـوع پژوهـش حـذف و ۴۱ منبـع بـرای بررسـی متـن کامـل باقـی مانـد. پـس از بررسـی معیارهای ورود و خـروج، ۶ منبـع دیگـر حـذف و در نهایـت ۳۵ منبـع واجـد شـرایط بـرای تحلیـل نظـری و مفهومـی انتخـاب شـدند. منابـع منتشرشـده در فاصلـه ۲۰۲۲ تـا ۲۰۲۶ در اولویـت قـرار گرفتنـد؛ بااین‌حـال، آثـار کلاسـیک یونـگ و منابـع بنیـادی مرتبـط نیـز بـرای تبییـن مفاهیـم نظـری اسـتفاده شـدند.

معیارهـای ورود شـامل انتشـار در مجـلات علمـی معتبـر، دسترسـی بـه متـن کامـل و ارتبـاط محتوایـی بـا دسـت‌کم یکـی از محورهـای اصلـی پژوهـش، شـامل روان‌شناسـی تحلیلـی، کهن‌الگوهـا، نمایش‌درمانـی یـا اختـلال طیـف اوتیسـم بـود. منابـع تکـراری، فاقـد ارتبـاط کافـی بـا موضـوع، فاقـد اطلاعـات لازم بـرای تحلیـل و مطالـب غیرعلمـی حـذف شـدند. در تفسـیر شـواهد، میـان «نمایش‌درمانـی» و «مداخـلات تئاترمحور/مبتنـی بـر اجـرا» تمایـز گذاشـته شـد؛ شـواهد مربـوط بـه مداخـلات تئاترمحـور صرفـاً به‌عنـوان شـواهد زمینـه‌ای بـرای برخـی فراینـدهـای نمایشـی در حـوزه اختـلال طیـف اوتیسـم در نظـر گرفتـه شـد، نـه شـواهد مسـتقیم دربـاره اثربخشـی نمایش‌درمانی یـا نقـش اختصاصـی پیـر دانـا. به‌منظـور افزایـش قابلیـت بازتولیـد جسـت‌وجو، رشـته‌های جسـت‌وجوی استفاده‌شـده در هـر پایـگاه و تعـداد رکوردهـای بازیابی‌شـده در جسـت‌وجوی اولیـه در جـدول ۱ ارائـه شـده اسـت.

**جدول ۱:** جست‌وجو و انتخاب منابع

| پایگاه اطلاعاتی | تعداد رکوردهای اولیه | رشته جست‌وجوی استفاده شده |
|---|---|---|
| پاب‌مد | ۱۴ | ("پیـر دانـا" یـا "کهـن الگـوی پیـر دانـا" یـا "کهـن الگـو*) و ("روان‌شناسـی یونگـی" یـا "روان‌شناسـی تحلیلـی") و ("نمایـش درمانـی" یـا "نمایش‌درمانـی") و ("اختـلال طیـف اوتیسـم" یـا "اوتیسـم") |
| اسکوپوس | ۱۸ | جسـت‌وجو براسـاس عنوان-چکیده-کلیـدواژه[1] («پیـر دانـا» یـا «کهـن الگـوی پیـر دانـا» یـا «کهـن الگـو*) و (« روان‌شناسـی یونگـی» یـا « روان‌شناسـی تحلیلـی») و ("نمایـش درمانـی" یـا "نمایش‌درمانـی") و ("اختـلال طیـف اوتیسـم" یـا "اوتیسـم") |
| وب آو ساینس | ۱۱ | جسـت‌وجوی موضوعـی[2] =(«پیـر دانـا» یـا «کهـن الگـوی پیـر دانـا» یـا «کهـن الگـو*) و (« روان‌شناسـی یونگـی» یـا « روان‌شناسـی تحلیلـی») و ("نمایـش درمانـی" یـا "نمایش‌درمانـی") و ("اختـلال طیـف اوتیسـم" یـا "اوتیسـم") |
| گوگل اسکالر | ۲۵ | ("پیر دانا" یا کهن الگو) و (یونگی و "نمایش درمانی" و اوتیسم) |
| پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (سید) | ۸ | («پیـر دانـا» یـا «کهـن الگـوی پیـر دانـا» یـا «کهـن الگـو*) و («روان‌شناسـی یونگـی» یـا « روان‌شناسـی تحلیلـی») و ("نمایـش درمانـی" یـا "نمایش‌درمانـی") و ("اختـلال طیـف اوتیسـم" یـا "اوتیسـم") |

تحلیـل منابـع بـا رویکـرد تحلیـل مفهومـی اسـتقرایی انجام شـد. در ایـن رویکـرد، مفاهیـم و مضامیـن مرتبـط بـا کهن‌الگـوی پیـر دانـا، فراینـدهـای نمایش‌درمانـی و ویژگی‌هـا و نیازهـای روان‌شـناختی ـ اجتماعـی مرتبـط بـا اختـلال طیـف اوتیسـم از منابـع منتخـب اسـتخراج و از طریـق مقایسـه مسـتمر، بررسـی شـباهت‌ها و تفاوت‌هـای مفهومـی و تحلیـل معنایـی مـورد بررسـی قـرار گرفتنـد. سـپس مفاهیـم همسـو در قالـب مقوله‌هـای کلان سـازمان‌دهی و تلفیـق شـدند. هـدف ایـن فراینـد، ارائـه یـک تبییـن نظـری منسـجم از ظرفیت‌هـای احتمالـی کهن‌الگـوی پیـر دانـا در بسـتر نمایش‌درمانـی مبتنـی بـر روان‌شناسـی تحلیلـی یونـگ بـود، نـه آزمـون تجربـی فرضیه‌هـا یـا سـنجش روابـط علّـی میـان متغیرهـا.

فراینـد تحلیـل در چهـار مرحلـه انجـام شـد. در مرحلـه نخسـت، مفاهیـم مرتبـط بـا کهن‌الگوهـا، به‌ویـژه کهن‌الگـوی پیـر دانـا، از منابـع روان‌شناسـی تحلیلـی اسـتخراج و کدگـذاری اولیـه شـدند. در مرحلـه دوم، مفاهیـم و فراینـدهـای اصلـی نمایش‌درمانـی، شـامل نقش‌آفرینـی، روایـت، نمادپـردازی، بداهه‌پـردازی و تعامـل گروهـی، شناسـایی و طبقه‌بنـدی شـدند. در مرحلـه سـوم، یافته‌هـای مرتبـط بـا ویژگی‌هـا و نیازهـای روان‌شـناختی ـ اجتماعـی افـراد دارای اختـلال طیـف اوتیسـم

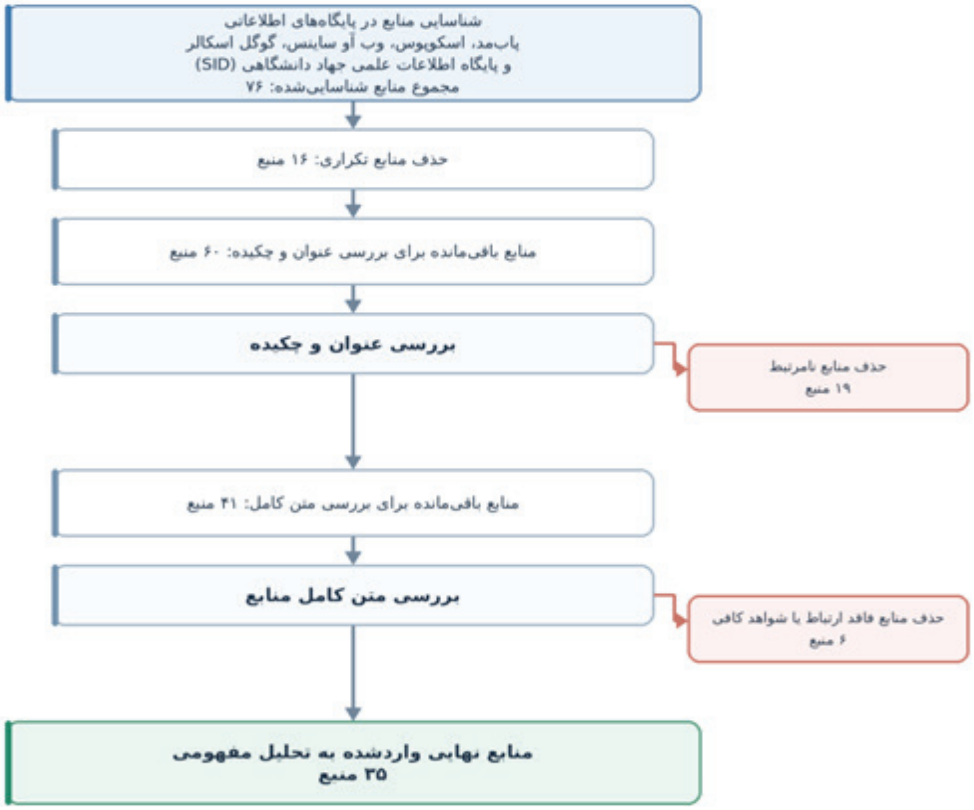
استخراج شد. در مرحله چهارم، مفاهیم حاصل از این سه حوزه از طریق مقایسه مستمر و تحلیل معنایی با یکدیگر تلفیق و بر اساس شباهت‌های مفهومی در قالب مقوله‌های کلان سازمان‌دهی شدند.

برآیند این فرایند به شناسایی چهار محور مفهومی شامل «هدایت و جهت‌دهی روانی»، «خودآگاهی و بینش»، «معناپردازی و نمادسازی» و «یکپارچگی روانی» انجامید. این محورها به‌عنوان یافته‌های تجربی یا ابعاد اندازه‌گیری‌شده در نظر گرفته نشدند، بلکه سازه‌های نظری حاصل از تلفیق، تفسیر و تحلیل انتقادی منابع منتخب بودند و مبنای تدوین چارچوب مفهومی پژوهش قرار گرفتند.

برای تمایز میان چهار محور، سه معیار مفهومی در نظر گرفته شد: نخست، هر محور باید دارای هسته معنایی متمایز و قابل ردیابی در ادبیات یونگی یا مرتبط با فرایندهای نمایش‌درمانی باشد؛ دوم، هر محور باید مجموعه‌ای از مفاهیم هم‌خانواده را دربرگیرد و صرفاً معادل یک اصطلاح منفرد نباشد؛ و سوم، باید بتوان برای آن یک همپوشانی مفهومی روشن، نه رابطه علّی، با دست‌کم یکی از حوزه‌های روان‌شناختی یا اجتماعی مورد توجه در ادبیات اختلال طیف اوتیسم نشان داد. بر این اساس، چهار محور به‌عنوان مقوله‌های تفسیری مستقل از یکدیگر صورت‌بندی شدند.

در تفسیر مفاهیم یونگی، «کهن‌الگوی پیر دانا»، «خویشتن» و «فردیت‌یابی» یکسان تلقی نشدند. پیر دانا در این مقاله به‌عنوان یک الگوی نمادین مرتبط با خرد، راهنمایی و بینش بررسی می‌شود؛ خویشتن مفهومی گسترده‌تر در نظریه یونگ و فردیت‌یابی فرایندی برای تحول و یکپارچگی روانی است. بنابراین، محور «یکپارچگی روانی» به معنای همسان‌انگاری پیر دانا با خویشتن یا فردیت‌یابی نیست، بلکه بیانگر یک ارتباط مفهومی در چارچوب نظری مقاله است.

به‌منظور افزایش اعتبار تحلیل، منابع داوری شده و مطالعات منتشرشده در مجلات علمی معتبر در اولویت قرار گرفتند و برای تبیین مباحث بنیادین، از آثار اصلی یونگ و منابع تخصصی روان‌شناسی تحلیلی استفاده شد. همچنین، مفاهیم استخراج شده با مقایسه دیدگاه‌های ارائه شده در منابع مختلف بررسی شدند تا تحلیل صرفاً متکی بر یک منبع یا یک دیدگاه نباشد. با توجه به ماهیت نظری ـ تحلیلی پژوهش و استفاده از منابع مکتوب، مفاهیمی مانند اشباع نظری و پایایی بین کدگذاران که عمدتاً در پژوهش‌های کیفی مبتنی بر داده‌های میدانی کاربرد دارند، در این مطالعه به‌کار گرفته نشدند.




**شکل ۱:** روند شناسایی، غربالگری و انتخاب منابع برای تحلیل مفهومی

در جست‌وجوی اولیه منابع علمی، در مجموع ۷۶ رکورد شناسایی شد. پس از حذف ۱۶ رکورد تکراری، ۶۰ رکورد برای غربالگری عنوان و چکیده باقی ماند. در این مرحله، ۱۹ رکورد به دلیل ارتباط ناکافی با موضوع پژوهش کنار گذاشته شد و ۴۱ منبع برای بررسی متن کامل باقی ماند. پس از بررسی معیارهای ورود و ارزیابی متن کامل، ۶ منبع فاقد شرایط لازم حذف شد و در نهایت ۳۵ منبع برای تحلیل نظری و مفهومی وارد مطالعه شدند. منابع منتخب شامل مطالعات پژوهشی، مطالعات مروری و منابع نظری مرتبط با روان‌شناسی تحلیلی یونگ، کهن‌الگوها، نمایش‌درمانی و برخی حوزه‌های روان‌شناختی و اجتماعی مرتبط با اختلال طیف اوتیسم بودند.

## یافته‌ها

تحلیل مفهومی منابع منتخب نشان داد که کارکرد نظری کهن‌الگوی پیر دانا در چارچوب نمایش‌درمانی مبتنی بر روان‌شناسی تحلیلی یونگ را می‌توان در چهار محور اصلی صورت‌بندی کرد: هدایت و جهت‌دهی روانی، خودآگاهی و بینش، معناپردازی و نمادسازی، و یکپارچگی روانی. این محورها از طریق استخراج، مقایسه و تلفیق مفاهیم مطرح‌شده در منابع منتخب به دست آمدند و به‌عنوان ابعاد تجربی یا متغیرهای مستقل و وابسته مورد آزمون قرار نگرفتند. فرایند استخراج و تلفیق مقوله‌های مفهومی در جدول ۲ ارائه شده است.

**۱- هدایت و جهت‌دهی روانی**

در منابع یونگی، پیر دانا با مفاهیمی مانند خرد، راهنمایی و جهت‌یابی روانی در موقعیت‌های دشوار مرتبط است. بر این اساس، در چارچوب نمایش‌درمانی مبتنی بر مفاهیم یونگی، این کهن‌الگو می‌تواند در قالب شخصیت، نقش یا نمادی راهنما بازنمایی شود. چنین بازنمایی‌ای در جریان روایت‌پردازی و ایفای نقش، امکان صورت‌بندی نمایشی موقعیت‌های نیازمند تصمیم‌گیری و جهت‌یابی را فراهم می‌کند. این برداشت از نظر مفهومی با ماهیت تعاملی و نقش‌محور نمایش‌درمانی همخوانی دارد (۱۵, ۲۱, ۲۲).

**۲- خودآگاهی و بینش**

دومین محور، خودآگاهی و بینش است. در روان‌شناسی تحلیلی، مواجهه با محتوای ناهشیار و شناخت و یکپارچه‌سازی جنبه‌های مختلف روان با افزایش آگاهی از تجربه درونی ارتباط دارد. از این منظر، پیر دانا را می‌توان به‌صورت نمادین با فرایند کسب بینش و آگاهی روان‌شناختی مرتبط دانست. همچنین، نقش‌آفرینی، روایت و بازنمایی نمادین در نمایش‌درمانی می‌توانند زمینه‌ای برای مشاهده و بازاندیشی درباره تجربه‌های شخصی فراهم کنند (۱۵, ۲۱, ۲۲).

**۳- معناپردازی و نمادسازی**

سومین محور، معناپردازی و نمادسازی است. در دیدگاه یونگ، نمادها در بیان و سازمان‌دهی محتوای روانی نقش دارند و پیر دانا نیز در برخی متون یونگی به‌صورت چهره‌ای مرتبط با خرد و معنای نهفته در تجربه ظاهر می‌شود. از سوی دیگر، روایت، نقش‌آفرینی و فرایندهای نمادین از عناصر مهم نمایش‌درمانی به شمار می‌روند. بر این اساس، می‌توان میان ظرفیت نمادین پیر دانا و فرایندهای معناپردازی در نمایش‌درمانی ارتباطی مفهومی برقرار کرد؛ ارتباطی که ناظر بر امکان تفسیر نظری این فرایندهاست، نه اثبات پیامد درمانی آن‌ها (۱۱, ۱۵, ۱۸, ۱۹, ۲۲).

**٤- یکپارچگی روانی**

چهارمین محور، یکپارچگی روانی است. در نظریه یونگ، رشد روانی با شناخت و برقراری ارتباط میان جنبه‌های مختلف روان پیوند دارد و مفهوم فردیت‌یابی یکی از چارچوب‌های اصلی تبیین این فرایند است. در این چارچوب، پیر دانا را می‌توان نمادی مرتبط با جهت‌گیری به سوی آگاهی و انسجام بیشتر روانی در نظر گرفت؛ بااین‌حال، این کهن‌الگو نباید با مفهوم «خویشتن» یا خودِ فرایند فردیت‌یابی یکسان تلقی شود (۱۵, ۲۱, ۲۳).

**جمع‌بندی یافته‌ها و ارتباط مفهومی با اختلال طیف اوتیسم**

در مجموع، چهار محور استخراج‌شده، صورت‌بندی نظری حاصل از تحلیل منابع را نشان می‌دهند. این محورها از نظر مفهومی می‌توانند با برخی حوزه‌های روان‌شناختی و اجتماعی مرتبط با افراد دارای اختلال طیف اوتیسم، از جمله جهت‌یابی در موقعیت‌های اجتماعی، خودآگاهی، شناخت تجربه‌های هیجانی و اجتماعی و معناپردازی تجربه‌ها، مرتبط دانسته شوند. بااین‌حال، این ارتباط‌ها در پژوهش حاضر صرفاً در سطح نظری مطرح شده‌اند و به معنای اثبات رابطه علّی، اثربخشی نمایش‌درمانی یا اعتبار تجربی محورها نیستند. ارتباط مفهومی محورها با حوزه‌های مرتبط در اختلال طیف اوتیسم در جدول ۳ و بازنمایی احتمالی آن‌ها در فرایندهای نمایش‌درمانی در جدول ۴ ارائه شده است. چارچوب مفهومی پیشنهادی پژوهش نیز در شکل ۲ نشان داده شده است.

**جدول ۲:** فرایند استخراج و تلفیق مقوله‌های مفهومی

| حوزه منبع | مفهوم استخراج شده | کد مفهومی | فرایند نمایشی | محور نهایی | منابع پشتیبان |
|---|---|---|---|---|---|
| روان‌شناسی یونگی | خرد، راهنمایی و جهت‌یابی | راهنمایی/جهت‌یابی | شخصیت یا نقش راهنما، روایت و ایفای نقش | هدایت و جهت‌دهی روانی | (۱۵، ۱۷، ۲۲) |
| روان‌شناسی تحلیلی | آگاهی از محتوای روانی و بینش | آگاهی/بازاندیشی | ایفای نقش، مشاهده نقش و روایت تجربه | خودآگاهی و بینش | (۱۵، ۱۷، ۲۳) |
| نظریه نماد و روایت | نماد، معنا و بازنمایی تجربه | نماد/معنا | داستان‌گویی، نمادپردازی و شخصیت‌پردازی | معناپردازی و نمادسازی | (۱۱، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۲) |
| رشد روانی در نظریه یونگ | ارتباط و سازمان‌یافتگی جنبه‌های روان | انسجام/یکپارچگی | تعامل میان نقش‌ها و بازنمایی تجربه‌های متعارض | یکپارچگی روانی | (۱۵، ۲۱، ۲۳) |

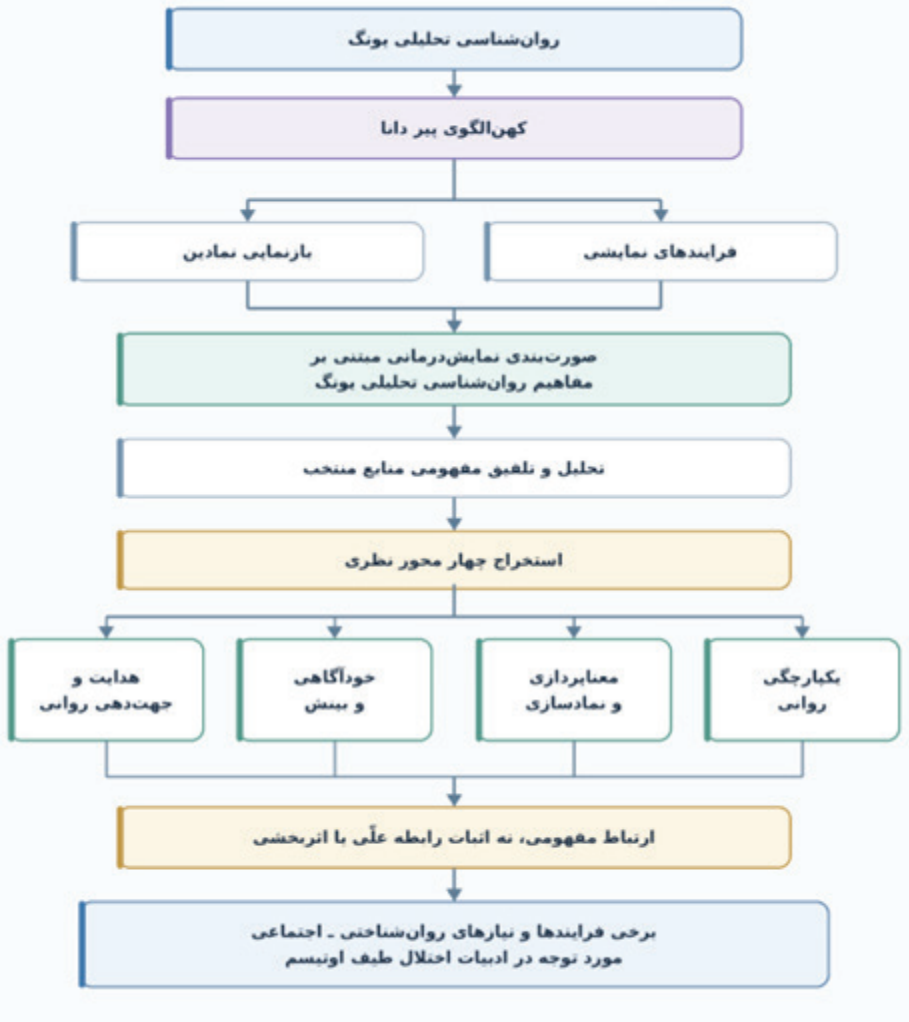
**جدول ۳:** ارتباط مفهومی کهن‌الگوی پیر دانا با فرایندهای نمایش‌درمانی و محورهای نظری استخراج شده

| محور نظری | صورت‌بندی نظری | همپوشانی مفهومی با حوزه‌های مرتبط در اختلال طیف اوتیسم |
|---|---|---|
| هدایت و جهت‌دهی روانی | پیر دانا در سنت یونگی با خرد، راهنمایی و جهت‌یابی روانی مرتبط است (۱۵، ۲۱، ۲۲). | می‌توان آن را از نظر نظری با نیاز به حمایت در جهت‌یابی اجتماعی و تصمیم‌گیری مرتبط دانست. |
| خودآگاهی و بینش | پیر دانا می‌تواند به‌صورت نمادین با افزایش آگاهی و بینش نسبت به تجربه درونی مرتبط شود (۱۵، ۲۱، ۲۳). | از نظر مفهومی، با فرایندهای خودآگاهی و شناخت تجربه‌های هیجانی و اجتماعی ارتباط دارد. |
| معناپردازی و نمادسازی | نماد و روایت از عناصر مهم در چارچوب یونگی و نمایش‌درمانی هستند (۱۱، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۲). | می‌تواند از نظر نظری با فرصت‌های بازنمایی و معناپردازی تجربه‌های اجتماعی و هیجانی مرتبط باشد. |
| یکپارچگی روانی | در نظریه یونگ، رشد روانی با ارتباط و سازمان‌یافتگی بیشتر بخش‌های مختلف روان پیوند دارد (۱۵، ۲۱، ۲۳). | می‌توان آن را در سطح نظری با فرایندهای سازگاری و یکپارچه‌سازی تجربه‌های فردی و اجتماعی مرتبط دانست. |

**جدول ٤:** بازنمایی احتمالی محورها در نمایش‌درمانی و ظرفیت نظری آنها

| محور نظری | بازنمایی احتمالی در نمایش‌درمانی | ظرفیت نظری |
|---|---|---|
| هدایت و جهت‌دهی روانی | استفاده از شخصیت یا نقش راهنما، روایت‌های نمادین، ایفای نقش و بازنمایی موقعیت‌های تصمیم‌گیری | می‌تواند زمینه‌ای برای بررسی مفهومی موضوعاتی مانند انتخاب، جهت‌یابی و مواجهه با موقعیت‌های دشوار فراهم کند. |
| خودآگاهی و بینش | ایفای نقش، مشاهده و بازاندیشی درباره نقش، روایت تجربه شخصی و تعامل گروهی | از نظر نظری می‌تواند با فرایندهای مشاهده خود، بازتاب تجربه و افزایش آگاهی نسبت به افکار و هیجان‌ها ارتباط داشته باشد. |
| معناپردازی و نمادسازی | داستان‌گویی، نمادپردازی، شخصیت‌پردازی و تبدیل تجربه‌های شخصی به روایت یا موقعیت نمایشی | می‌تواند امکان بازنمایی و تفسیر نمادین تجربه‌های فردی و اجتماعی را فراهم کند. |
| یکپارچگی روانی | مواجهه و تعامل میان نقش‌ها، روایت‌های مختلف از خود و تجربه‌های متضاد در فضای نمایشی | از نظر نظری می‌تواند با فرایند شناخت، ارتباط و سازمان‌دهی تجربه‌های مختلف روانی مرتبط دانسته شود. |

**یادداشت:** " ظرفیت نظری" در این جدول به معنای امکان تبیین یا صورت‌بندی مفهومی است و بیانگر اثربخشی تجربی، رابطه علّی یا برتری درمانی نیست.




**شکل ۲:** چارچوب مفهومی پیشنهادی برای تبیین ارتباط نظری کهن‌الگوی پیر دانا با فرایندهای نمایش‌درمانی و چهار محور استخراج شده

**یادداشت:** این شکل بیانگر روابط مفهومی و نظری حاصل از تحلیل منابع است و نباید به‌عنوان مدل علّی یا مدل اثربخشی درمانی تفسیر شود.

## بحث

پژوهش حاضر با هدف تحلیل نظری کارکرد کهن‌الگوی پیر دانا در نمایش‌درمانی مبتنی بر مفاهیم روان‌شناسی تحلیلی یونگ و بررسی ظرفیت مفهومی آن در تبیین برخی فرایندهای روان‌شناختی مرتبط با افراد دارای اختلال طیف اوتیسم انجام شد. تحلیل مفهومی منابع منتخب نشان داد که می‌توان کارکرد نظری این کهن‌الگو را در چهار محور شامل هدایت و جهت‌دهی روانی، خودآگاهی و بینش، معناپردازی و نمادسازی، و یکپارچگی روانی صورت‌بندی کرد. این محورها از تلفیق و تفسیر منابع مرتبط با روان‌شناسی تحلیلی، نمایش‌درمانی و اختلال طیف اوتیسم حاصل شده‌اند و نباید به‌عنوان ابعاد تجربی تثبیت‌شده یا پیامدهای اثبات‌شده درمانی در نظر گرفته شوند. بنابراین، سهم اصلی مطالعه حاضر، ارائه چارچوبی مفهومی برای بررسی ارتباط میان یک کهن‌الگوی مشخص و فرایندهای نمایش‌درمانی است.

نخستین محور، یعنی هدایت و جهت‌دهی روانی، با جایگاه نمادین پیر دانا در نظریه یونگ به‌عنوان چهره‌ای مرتبط با خرد، بینش و راهنمایی در موقعیت‌های مبهم یا بحرانی همخوانی دارد (۱۵, ۲۴). در نمایش‌درمانی، نقش‌آفرینی، روایت و بازنمایی موقعیت‌های نمادین امکان خلق شخصیت‌ها و موقعیت‌هایی را فراهم می‌کنند که از طریق آن‌ها می‌توان موضوعاتی مانند انتخاب، مواجهه با تعارض و جست‌وجوی راهنمایی را بررسی کرد (۱۱, ۱۸). بر این اساس، پیر دانا را می‌توان در سطح نظری به‌صورت شخصیتی راهنما یا نمادی از خرد و جهت‌یابی در روایت نمایشی بازنمایی کرد. این تفسیر، پیوندی مفهومی میان ویژگی‌های نمادین پیر دانا و ظرفیت‌های روایی نمایش‌درمانی برقرار می‌سازد؛ بااین‌حال، به معنای اثبات تأثیر این کهن‌الگو

بـر تصمیم‌گیـری یـا جهت‌یابـی روانـی نیسـت. پژوهش‌هـای مربـوط بـه مداخـلات نمایشـی در افـراد دارای اختـلال طیـف اوتیسـم عمدتـاً پیامدهایـی ماننـد تعامـل اجتماعـی، ارتبـاط و مشـارکت را بررسـی کرده‌انـد و نمی‌تـوان نتایـج آن‌هـا را شـواهد مسـتقیمی دربـاره کارکـرد اختصاصـی پیـر دانـا تلقـی کـرد (۱۰, ۱۲, ۲۵).

دومیـن محـور، خودآگاهـی و بینـش، از پیونـد میـان ظرفیـت تأملـی نمایش‌درمانـی و مفاهیـم آگاهـی در روان‌شناسـی تحلیلـی قابـل تبییـن اسـت. ایفـای نقـش و مشـاهده تجربـه از منظـر یک نقـش دیگـر می‌توانـد در سـطح نظـری امـکان فاصله‌گیـری و بازاندیشـی نسـبت بـه تجربـه شـخصی را فراهـم کنـد (۱۱, ۲۶). از سـوی دیگـر، در اندیشـه یونـگ، مواجهـه بـا نمادهـا و محتـوای روانـی در ارتبـاط بـا فراینـد شـناخت و آگاهـی بیشـتر از تجربـه درونـی قـرار می‌گیـرد (۱۴, ۱۵, ۲۷). بـر ایـن اسـاس، حضـور نمادیـن پیـر دانـا در یـک روایـت نمایشـی را می‌تـوان به‌عنـوان ابـزاری مفهومـی بـرای طـرح پرسـش، تأمـل و بازنگـری در تجربـه شـخصیت‌ها تفسـیر کـرد. ایـن برداشـت بـا برخـی حوزه‌هـای مـورد توجـه در ادبیـات اختـلال طیـف اوتیسـم، از جملـه شـناخت هیجـان، تعامـل اجتماعـی و مشـارکت اجتماعـی، هم‌پوشـانی دارد (۴, ۲۸–۳۰). بااین‌حـال، هم‌پوشـانی مفهومـی بـه معنـای رابطـه علّـی نیسـت و نمی‌تـوان نتیجـه گرفـت کـه اسـتفاده از ایـن کهن‌الگـو به‌تنهایـی موجـب افزایـش خودآگاهـی یـا بهبـود مهارت‌هـای اجتماعـی افـراد دارای اختـلال طیـف اوتیسـم می‌شـود.

محـور سـوم، معناپـردازی و نمادسـازی، از ماهیـت نمادیـن روان‌شناسـی تحلیلـی و اسـتفاده از روایـت، تخیـل و نقـش در نمایش‌درمانـی ناشـی می‌شـود. در رویکـرد یونگـی، نمـاد صرفـاً نشـانه‌ای بـا معنـای ثابـت نیسـت، بلکـه می‌توانـد زمینـه‌ای برای بیـان و تأمـل دربـاره تجربه‌هایـی فراهـم کنـد کـه بیـان مسـتقیم آن‌هـا دشـوار اسـت؛ ازایـن‌رو، معنـای نمـاد بـه زمینـه روانـی و تفسـیری آن نیـز وابسـته اسـت (۱۵, ۲۴, ۲۷). در نمایش‌درمانـی نیـز داسـتان، شـخصیت و موقعیـت نمایشـی امـکان بازنمایـی تجربه‌هـا را در قالبـی غیرمسـتقیم و نمادیـن فراهـم می‌کننـد (۱۰, ۱۱, ۱۸). بـر ایـن مبنـا، پیـر دانـا می‌توانـد در سـطح نظـری به‌عنـوان شـخصیتی در نظـر گرفتـه شـود کـه در روایـت نمایشـی، موضوعاتـی ماننـد جسـت‌وجوی معنـا، مواجهـه بـا ابهـام یـا دریافـت راهنمایـی را بازنمایـی می‌کنـد. بااین‌حـال، معنـای ایـن شـخصیت را نمی‌تـوان مسـتقل از بافـت فرهنگـی، تجربـه فـردی و شـیوه اجـرای مداخلـه تعییـن کـرد. همچنیـن، ایـن صورت‌بنـدی صرفـاً ظرفیـت بالقـوه نمادپـردازی را توضیـح می‌دهـد و شـواهدی دربـاره درک یـا پذیـرش ایـن نمـاد از سـوی افـراد دارای اختـلال طیـف اوتیسـم ارائـه نمی‌کنـد.

محـور چهـارم، یکپارچگـی روانـی، بـه امـکان بررسـی ارتبـاط میـان تجربه‌هـای مختلـف فـرد در قالـب یـک چارچـوب نظـری اشـاره دارد. در روان‌شناسـی تحلیلـی یونـگ، فراینـد فردیت‌یابـی بـه تحـول و تمایزیافتـن شـخصیت و برقـراری رابطـه‌ای منسـجم‌تر میـان جنبه‌هـای مختلـف روان مربـوط می‌شـود؛ بااین‌حـال، ایـن مفهـوم بـا کهن‌الگـوی پیـر دانـا یکسـان نیسـت و نبایـد ایـن دو را مترادف دانسـت (۱۵, ۲۴, ۲۷). در چارچـوب پیشـنهادی ایـن پژوهـش، پیـر دانـا صرفـاً می‌توانـد به‌عنـوان نمـادی بـرای بررسـی موقعیت‌هـای روایـی مرتبـط بـا تأمـل، راهنمایـی و مواجهـه بـا تعـارض در نظـر گرفتـه شـود؛ درحالی‌کـه نمایش‌درمانـی از طریـق نقش‌آفرینـی و روایـت، بسـتری بـرای بازنمایـی و بررسـی چنیـن موقعیت‌هایـی فراهـم می‌کنـد (۱۱, ۲۶). بنابرایـن، ارتبـاط میـان پیـر دانـا و یکپارچگـی روانـی در ایـن مطالعـه یـک تفسـیر نظـری اسـت، نـه شـاهدی بـر تحقـق فراینـد فردیت‌یابـی یـا بهبـود یکپارچگـی روانـی در جریـان مداخلـه.

بـا کنـار هـم قـرار دادن ایـن چهـار محـور، می‌تـوان دریافـت کـه ارتبـاط پیشـنهادی میـان پیـر دانـا و نمایش‌درمانـی از دو مسـیر مفهومـی شـکل می‌گیـرد: نخسـت، ویژگی‌هـای نمادیـن ایـن کهن‌الگـو در نظریـه یونـگ و دوم، ظرفیـت نمایش‌درمانـی بـرای بازنمایـی تجربه‌هـا از طریـق نقـش، روایـت و نمـاد. ایـن پیونـد می‌توانـد بـه صورت‌بنـدی پرسـش‌هایی دربـاره چگونگـی تجربـه شـخصیت‌های راهنمـا، معناهـای نمادیـن و فرایندهـای تأمـل در نمایش‌درمانـی کمـک کنـد. بااین‌حـال، چهـار محـور یادشـده مسـتقل از یکدیگـر و به‌عنـوان متغیرهـای اندازه‌گیری‌شـده بررسـی نشـده‌اند؛ بلکـه ابعـاد مرتبـط یـک چارچـوب نظـری پیشـنهادی هسـتند کـه روابـط میـان آن‌هـا نیازمنـد بررسـی‌های بیشـتر اسـت.

از منظـر اختـلال طیـف اوتیسـم، اهمیـت ایـن چارچـوب در امکان بررسـی ارتبـاط آن بـا برخـی حوزه‌هـای روان‌شـناختی و اجتماعـی مـورد توجـه در ادبیـات ایـن اختـلال اسـت. تفاوت‌هـای فـردی در ارتبـاط اجتماعـی، شـناخت اجتماعی، شـناخت هیجان و مشـارکت اجتماعـی از موضوعـات بررسی‌شـده در پژوهش‌هـای مرتبـط بـا اختـلال طیـف اوتیسـم هسـتند(۴, ۲۶–۲۸). در عیـن حـال، ایـن ویژگی‌هـا در همـه افـراد بـه شـکل یکسـان بـروز نمی‌کننـد و نمی‌تـوان آن‌هـا را به‌عنـوان نیازهـای یکسـان یـا قطعـی بـرای

تمام افراد دارای این اختلال در نظر گرفت. ازاین‌رو، ارتباط میان چهار محور نظری پژوهش حاضر و این حوزه‌ها باید به‌عنوان زمینه‌ای برای طرح پرسش‌های پژوهشی آینده تلقی شود، نه دلیلی بر تناسب قطعی یا اثربخشی یک مداخله خاص برای این جمعیت.

این تمایز با توجه به ماهیت شواهد موجود اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. مطالعات مربوط به مداخلات نمایشی و تئاترمحور در افراد دارای اختلال طیف اوتیسم عمدتاً پیامدهایی مانند تعامل اجتماعی، ارتباط، مشارکت و برخی ابعاد هیجانی را بررسی کرده‌اند (۱۰, ۱۲, ۳۱-۳۳). این مطالعات می‌توانند برای شناخت ظرفیت‌های کلی فعالیت‌های نمایشی و شناسایی حوزه‌های مناسب برای پژوهش بیشتر مفید باشند؛ اما نتایج آن‌ها به‌طور مستقیم نقش کهن‌الگوی پیر دانا یا اعتبار چهار محور پیشنهادی این مطالعه را تأیید نمی‌کنند. همچنین، از شواهد مربوط به مداخلات نمایشی به‌طور کلی نمی‌توان نتیجه گرفت که سازمان‌دهی نمایش‌درمانی بر مبنای یک کهن‌الگوی خاص، پیامدهای متفاوت یا برتری درمانی ایجاد می‌کند. بر این اساس، سهم نظری پژوهش حاضر در ایجاد پیوندی مفهومی میان روان‌شناسی تحلیلی یونگ، فرایندهای نمایش‌درمانی و برخی حوزه‌های روان‌شناختی و اجتماعی مرتبط با اختلال طیف اوتیسم است. این پیوند می‌تواند مبنایی برای تدوین پرسش‌های پژوهشی درباره تجربه مشارکت‌کنندگان، نحوه دریافت نماد پیر دانا و امکان استفاده از آن در روایت‌های نمایشی فراهم سازد. بااین‌حال، از آنجا که مفاهیم کهن‌الگویی ماهیتی نظری و تفسیری دارند، تعریف عملیاتی آن‌ها و تعیین شیوه بررسی تجربی‌شان نیازمند دقت روش‌شناختی است(۱۵, ۳۴, ۳۵). به‌ویژه باید میان حضور یک شخصیت نمادین در روایت، برداشت مشارکت‌کننده از آن شخصیت و تغییر احتمالی در یک پیامد روان‌شناختی تمایز گذاشت؛ زیرا این سه موضوع لزوماً معادل یکدیگر نیستند.

پژوهش حاضر محدودیت‌هایی دارد که باید در تفسیر آن مورد توجه قرار گیرند. نخست، مطالعه ماهیتی نظری ـ تحلیلی و کتابخانه‌ای داشت و یافته‌های آن بر تلفیق، مقایسه و تفسیر منابع منتخب استوار بود؛ بنابراین، داده‌های حاصل از اجرای مستقیم نمایش‌درمانی یا سنجش پیامدهای آن در افراد دارای اختلال طیف اوتیسم در دسترس نبود. دوم، پژوهش‌هایی که به‌طور مستقیم کاربرد کهن‌الگوهای یونگی، به‌ویژه پیر دانا، را در نمایش‌درمانی این افراد بررسی کرده باشند محدود بودند؛ ازاین‌رو، بخشی از استدلال مقاله بر هم‌پوشانی مفهومی میان سه حوزه ادبیات نظری یونگ، نمایش‌درمانی و اختلال طیف اوتیسم استوار است و نباید به‌عنوان شاهد مستقیم اثربخشی تفسیر شود. سوم، چهار محور پیشنهادی حاصل تحلیل و تفسیر مفهومی منابع هستند و اعتبار تجربی، پایایی بین‌ارزیابان یا میزان توافق کدگذاران درباره آن‌ها به‌صورت مستقل بررسی نشده است. در نتیجه، امکان تفاوت در تفسیر و صورت‌بندی این محورها وجود دارد. چهارم، تمرکز مطالعه بر پیر دانا، مقایسه نظام‌مند آن را با دیگر کهن‌الگوهای یونگی خارج از دامنه پژوهش قرار داد؛ بنابراین، یافته‌ها دلالتی بر برتری نظری یا درمانی این کهن‌الگو نسبت به سایر کهن‌الگوها ندارند. با توجه به این محدودیت‌ها، پژوهش‌های آینده می‌توانند در گام نخست، از روش‌های کیفی برای بررسی برداشت‌ها و تجربه‌های افراد دارای اختلال طیف اوتیسم از شخصیت‌های راهنما، نمادها و روایت‌های نمایشی استفاده کنند. چنین مطالعاتی می‌توانند امکان‌پذیری و پذیرش‌پذیری چارچوب پیشنهادی و تناسب آن را با تجربه‌های متنوع مشارکت‌کنندگان بررسی کنند. در گام بعد، در صورت دستیابی به تعریف عملیاتی روشن و شواهد اولیه کافی، می‌توان مطالعات تجربی یا آمیخته‌ای را برای ارزیابی فرایند اجرا و پیامدهای احتمالی مداخلات طراحی کرد. مقایسه نظری پیر دانا با دیگر کهن‌الگوها نیز می‌تواند به روشن‌شدن ویژگی‌های اختصاصی و حدود کاربرد این چارچوب کمک کند.

## نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با هدف تحلیل نظری کارکرد کهن‌الگوی پیر دانا در نمایش‌درمانی مبتنی بر روان‌شناسی تحلیلی یونگ و بررسی ظرفیت مفهومی آن در ارتباط با حوزه‌های روان‌شناختی و اجتماعی مرتبط با اختلال طیف اوتیسم انجام شد. یافته‌ها نشان دادند که می‌توان کارکرد نظری این کهن‌الگو را در چهار محور هدایت و جهت‌دهی روانی، خودآگاهی و بینش، معناپردازی و نمادسازی، و یکپارچگی روانی صورت‌بندی کرد. این محورها، چارچوبی مفهومی برای تبیین ارتباط میان ویژگی‌های نمادین پیر دانا و برخی فرایندهای نمایش‌درمانی فراهم می‌کنند و امکان بررسی نظری پیوند آن‌ها با حوزه‌های مرتبط با اختلال

طیف اوتیسم را نشان می‌دهند.

بر این اساس، پاسخ پژوهش به سؤال اصلی آن است که کارکرد نظری کهن‌الگوی پیر دانا در نمایش‌درمانی یونگی را می‌توان از طریق چهار محور یادشده تبیین کرد؛ بااین‌حال، ارتباط این محورها با نیازها و فرایندهای روان‌شناختی و اجتماعی افراد دارای اختلال طیف اوتیسم، در حد یک صورت‌بندی نظری باقی می‌ماند. ازاین‌رو، یافته‌های مطالعه حاضر اثبات‌کننده اثربخشی درمانی، رابطه علّی یا اعتبار تجربی این چارچوب نیستند، بلکه مبنایی مفهومی برای تدوین فرضیه‌ها و طراحی پژوهش‌های آینده فراهم می‌کنند. انجام مطالعات کیفی و سپس پژوهش‌های کمی و تجربی می‌تواند به بررسی امکان‌پذیری، پذیرش‌پذیری و اعتبار این چارچوب و ارزیابی کاربرد احتمالی آن در نمایش‌درمانی کمک کند.

## References


1. American Psychiatric Association. Diagnostic and statistical manual of mental disorders. 5th ed, Text Revision (DSM-5-TR). Washington (D.C): American Psychiatric Association Publishing; 2022. https://doi.org/10.1176/appi.books.9780890425787
2. Maenner MJ, Warren Z, Williams AR, Amoakohene E, Bakian AV, Bilder DA, et al. Prevalence and characteristics of autism spectrum disorder among children aged 8 years-Autism and Developmental Disabilities Monitoring Network, 11 sites, United States, 2020. MMWR Surveill Summ. 2023;72(No. SS-2):1-14. https://doi.org/10.15585/mmwr.ss7202a1
3. Hirota T, King BH. Autism spectrum disorder: a review. Jama. 2023;329(2):157-68. https://doi.org/10.1001/jama.2022.23661
4. Lord C, Brugha TS, Charman T, Cusack J, Dumas G, Frazier T, et al. Autism spectrum disorder. Nat Rev Dis Primers. 2020;6(1):5. https://doi.org/10.1038/s41572-019-0138-4
5. Banks AL, Mainess KJ, Javaherian H, Natsuaki MN. "Very misunderstood": Self-perceived social communication experiences of autistic young adults. Youth. 2024;4(4):1628-46. https://doi.org/10.3390/youth4040104
6. Ion S. Mindfulness to Calibrate Behavior and Emotions in Children, Adolescents and Adults with Autism Spectrum Disorder (ASD). Revista de Asistenţă Socială. 2023;22(3):211-9.
7. Thiele-Swift HN, Dorstyn D-S. Anxiety prevalence in youth with autism: A systematic review and meta-analysis of methodological and sample moderators. Rev J Autism Dev Disord. 2026;13(1):76-89. https://doi.org/10.1007/s40489-023-00427-w
8. van der Linden JS, Hiralal KR, Bracké KF, Steegers CP, White T, Dieleman GC. Understanding the Association Between Autistic Traits, Anorexia Nervosa Symptomatology and Weight Recovery in Female Adolescents: A Longitudinal Analysis. Eur Eat Disord Rev. 2026;34(4):1065-74. https://doi.org/10.1002/erv.70081
9. Linden A, Best L, Elise F, Roberts D, Branagan A, Tay YBE, et al. Benefits and harms of interventions to improve anxiety, depression, and other mental health outcomes for autistic people: A systematic review and network meta-analysis of randomised controlled trials. Autism. 2023;27(1):7-30. https://doi.org/10.1177/13623613221117931
10. Bololia L, Williams J, Macmahon K, Goodall K. Dramatherapy for children and adolescents with autism spectrum disorder: A systematic integrative review. The Arts in Psychotherapy. 2022;80:101918. https://doi.org/10.1016/j.aip.2022.101918
11. Cook A, Armstrong CR, Frydman J, Versaci R, Ludlow L. The drama therapy core process coding system: A transtheoretical capturing of drama therapy processes. Arts in Psychotherapy. 2025:102382. https://doi.org/10.1016/j.aip.2025.102382
12. Martí-Vilar M, Fernández-Gómez N, Hidalgo-Fuentes S, González-Sala F, Merino-Soto C, Toledano-Toledano F. Theater-based interventions in social skills in mental health care and treatment for people with autism spectrum disorder: A systematic review. Sustainability. 2023;15(23):16480. https://doi.org/10.3390/su152316480
13. Afsharnejad B, Lee EAL, Hayden-Evans M, Black MH, Alach T, Fridell A, et al. Adaptation and feasibility of KONTAKT™ Social Skills Toolbox group program for Australian autistic children. Scand J Child Adolesc Psychiatr Psychol. 2024;12(1):100-14. https://doi.org/10.2478/sjcapp-2024-0011
14. Roesler C. The creative psyche: Jung's model of the use of creative methods in psychotherapy and empirical support in

the fields of sandplay therapy, art therapy and therapeutic dreamwork. International Journal of Jungian Studies. 2025;17(1):40-62. https://doi.org/10.1163/19409060-bja10040
15. Jung CG. The Archetypes and the Collective Unconscious. 2nd ed. Taylor & Francis; 2014. https://doi.org/10.4324/9781315725642
16. Roesler C. CG Jung's archetype concept: Theory, research and applications. Routledge; 2021. https://doi.org/10.4324/9781003058458
17. Samuels A, Shorter B, Plaut F. A critical dictionary of Jungian analysis. Routledge; 2012. https://doi.org/10.4324/9780203713822
18. Emunah R. Acting for real: Drama therapy process, technique, and performance. Routledge; 2019. https://doi.org/10.4324/9781315725406
19. Constien T, Khanna A, Wiberg A. Client experiences of drama therapy: A systematic review and qualitative meta-analysis. Qual Psychol. 2025;12(3):311-37. https://doi.org/10.1037/qup0000300
20. Stein M. Map of the soul-Persona: Our many faces. Chiron Publications; 2019.
21. Franz Mv. The Process of Individuation. In: CG J, editor. Man and his symbols: Aldus Books Limited; 1964. p. 158-229.
22. Sharp D. Jung lexicon: a primer of terms & concepts. Inner City Books; 1991.
23. Von Franz M-L. CG Jung: His myth in our time. Chiron Publications; 2024.
24. Jung CG. Approaching the unconscious. Man and his symbols: Anchor Books/Doubleday; 1964. p. 18-03.
25. McDonald RG, Khawar S, Yacoub N, Cargill MI, Lerner MD, Kang E. Performance-and theater-based interventions for supporting social cognition and social communication in autistic youth: A review and theoretical synthesis. Semin Speech Lang. 2022;43(04):255-76. https://doi.org/10.1055/s-0042-1750763
26. Frydman JS, Cook A, Armstrong CR, Rowe C, Kern C. The drama therapy core processes: A Delphi study establishing a North American perspective. The Arts in Psychotherapy. 2022;80:101939. https://doi.org/10.1016/j.aip.2022.101939
27. Roesler C. The Process of Transformation-The Core of Analytical Psychology and How it Can Be Investigated 1. J Anal Psychol. 2025;70(3):355-73. https://doi.org/10.1111/1468-5922.13095
28. Grau-Husarikova E, Sánchez Pedroche A, Mumbardó-Adam C, Sanz-Torrent M. How language affects social cognition and emotional competence in typical and atypical development: A systematic review. Int J Lang Commun Disord. 2024;59(5):1788-816. https://doi.org/10.1111/1460-6984.13032
29. Narzisi A, Sesso G, Fabbri-Destro M, Berloffa S, Fantozzi P, Muccio R, et al. Social skills interventions for adolescents with level 1 autism spectrum disorder: A systematic review with meta-analysis of randomized controlled trials. Clin Neuropsychiatry. 2024;21(3):169-81.
30. Tsou Y-T, Kovács LV, Louloumari A, Stockmann L, Blijd-Hoogewys EM, Koutamanis A, et al. School-based interventions for increasing autistic pupils' social inclusion in mainstream schools: A systematic review. Rev J Autism Dev Disord. 2026;13(1):45-68. https://doi.org/10.1007/s40489-024-00429-2
31. Papadopoulos A, Zarokanellou V, Psylakis N, Tafiadis D, Tsapara A, Trimmis N, et al. A Scoping Review of the Impact of Theatre-Based Techniques in Children and Adults with Autism Spectrum Disorders. Behav Sci (Basel). 2026;16(6):890. https://doi.org/10.3390/bs16060890
32. Lee I-J, Wang W-Z. Applying theatre-based role-playing combined with AR and VR game strategies to enhance imagination and symbolic play skills in children with autism spectrum disorder. Univ Access Inf Soc. 2025;24(3):2531-52. https://doi.org/10.1007/s10209-025-01206-6
33. Robinson E, Crane L. Examining the impact of drama-based sessions on the social emotional well-being of Autistic pupils in a special school: A multi-informant qualitative study. BRIT J SPEC EDUC. 2025;52(2):157-70. https://doi.org/10.1111/1467-8578.70000
34. Jabareen Y. Building a conceptual framework: philosophy, definitions, and procedure. Int J Qual Methods. 2009;8(4):49-62. https://doi.org/10.1177/160940690900800406
35. Torraco RJ. Writing integrative literature reviews: Using the past and present to explore the future. Hum Resour Dev Rev. 2016;15(4):404-28. https://doi.org/10.1177/1534484316671606